زن در آیینه دفاع مقدس (2)

پدید آورنده : زهره شریعتی ، صفحه 56

در شماره گذشته، به بیان نقش زنان در صدر اسلام پرداختیم و پس از آن فعالیت زنان در پشت جبهه، در ایام دفاع مقدس را بیان نمودیم. اینک در پی آنیم تا به بررسی حضور زنان در خط مقدم و نقش اساسی آن ها در حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، پس از جنگ بپردازیم؛

2ـ حضور زنان در میدان نبرد و خط مقدم

در حماسه 45 روزه مقاومت خرمشهر، زنان نقش بسزایی ایفا کردند. آن ها در واقع میدان دار اصلی این فعالیت سخت و جانفرسا بودند. با کم شدن تعداد مردان، زنان بار امدادگری و رسیدگی به مجروحین را به دوش گرفتند. فعالیت های آنان عبارت بودند از پرستاری و انتقال مجروحین به بیمارستان، نظافت محیط بیمارستان، شناسایی شهدا، حفر زمین برای تدفین آنان و حتی نگهبانی از اجساد مطهرشان در قبرستان خرمشهر. در اینجا بود که زنان حتی سلاح برداشتند و دوشادوش مردان جنگیدند.

الف ـ پرستاری و امداد رسانی به مجروحین

یکی از خواهرانی که خود در حماسه مقاومت خرمشهر حضور داشته است، می گوید: «در آن روزها خواهران دو دسته بودند، عده ای برای مهمات رسانی تعیین و تعدادی هم برای امدادگری راهی بیمارستان شدند. ما به بیمارستان رفتیم. پشت سر هم مجروح می آوردند. دست و پاها و بدن های پاره پاره، که در پتو و حصیر پیچیده شده بودند. اوائل جرأت نمی کردیم به آن ها دست بزنیم؛ ولی کم کم عادت کردیم. خواهران هر کار نیاز بود، می کردند، از تخلیه مجروحین و پرستاری تا کار در آشپزخانه و نگهبانی از بیمارستان. امکانات بسیار کم و مختصر بود. مجبور بودیم سِرُم ها را به میخ آویزان کنیم، روز به روز وضع بدتر می شد... آب و برق نبود و آب از شط می آوردیم و یا شستشو را کنار شط انجام می دادیم. این باعث شد که آب، عده ای از خواهران را تا وسط شط ببرد... که تعدادی از آن ها غرق شدند...»1

«جنگ شروع شده بود که به اتفاق چند نفر از خواهران پرستار داوطلبانه به مریوان رفتیم. یک روز خواهری را برای عمل آوردند که دستش سفید سفید شده بود. حالت غش و بیهوشی داشت و از ضعف مفرط رنج می برد. ما بلافاصله به مداوای او مشغول شدیم. بعد که حالش بهتر شد، و از وضعش پرس و جو کردیم، فهمیدیم این خواهر اهل شمال است. چندی پیش که عملیات شروع شده، نیمه شب به منطقه رسیده و اظهار داشته که می خواهم در یک مرکز درمانی در کنار پرستاران کار کنم. او به مدت 72 ساعت، بی آنکه چیزی بخورد، در اتاق عمل پنس ها را می شسته و دسته بندی می کرده است. از بس که دستش داخل آب بوده، خون به دستش نرسیده و دست کاملاً سفید شده بود. این خواهر شمالی پس از بهبودی، مجدداً در منطقه ماند و به صورت تجربی به پرستاری مجروحین جنگی پرداخت.»2

حضور زنان در نقش پرستار و پزشک در بیمارستان های صحرایی و پشت جبهه بسیار پررنگ بود و ما در اینجا تنها به چند نمونه کوتاه اشاره کردیم.

ب ـ شرکت مستقیم در عملیات ها

خواهر جانباز، آمنه وهاب زاده چنین می گوید: «روز دهم جنگ، همراه سیصد نفر از خواهران به جبهه اعزام شدیم. وقتی به ماهشهر رسیدیم، بعضی همانجا ماندند و من همراه بقیه راهی خط مقدم شدم. آن زمان خط مقدم خرمشهر و آبادان بود. این مدت همراه دکتر چمران بودیم و چون ایشان و همسر گرامیشان قبلاً به ما آموزش چریکی داده بودند، حتی قرار شده بود همراهشان به لبنان هم برویم. خرمشهر که سقوط کرد، ما تا پشت کشتارگاه عقب کشیدیم و در بیمارستان ولی عصر (عج) مستقر شدیم. چون خرمشهر خالی از سکنه شده بود، از ما نیز خواستند تا شهر را ترک کنیم. ما جزء آخرین نفراتی بودیم که از خرمشهر خارج می شدیم. بعدها در عملیات ثامن الائمه و بیت المقدس شرکت کردم. در والفجر یک شیمیایی شدم... هفت بار مجروح شدم. پای چپم ترکش خورده و تا به حال سه بار عمل شده و احتمالاً آخر هم قطع خواهد شد...»3

برادر جانباز، ایران خواه، چنین می گوید: «خانم فاطمه نواب صفوی، نوه شهید نواب صفوی، به عنوان دیده بان به طرف بهمن شیر رفته بود. او با اطلاعات مؤثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می داد، در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده ای را ایفا کرد. در آخرین دیدار او را در حالی دیدم که پیکر شهیدی را با خود حمل می کرد. معلوم شد که از یک عملیات موفق چریکی بازمی گردد.»4

خواهر نوشین نجار نیز ادامه می دهد: «کوکتل مولوتوف درست می کردیم. گونی ها را پر از شن می کردیم و در نقاط حساس خرمشهر می چیدیم. شب ها روی پشت بام مسجد جامع با اسلحه ام ـ یک نگهبانی می دادیم و هر چند ساعت یکبار پست خودمان را عوض می کردیم.»5

«در جریان خرمشهر تعدادی از خواهران واقعاً رشادتشان خیلی بیش از مردها بود. خواهر شهناز حاجی شاه، از نظر اخلاق، شجاعت ایثار و تقوا و طهارت الگوی ما بود. مردانه می جنگید. با وجود شدت درگیری ها در این چند روز، کسی تار مویی از ایشان ندید و کلامی به جز سلام نشنید. وقتی برای استراحت به عقب برمی گشتیم، او به سرعت مشغول آماده کردن غذا می شد.

شهناز حاجی شاه، سرانجام به آرزویش رسید و جلو مقرّ همیشگی اش مکتب قرآن، زمانی که آمده بود برای سنگرها غذا ببرد، همراه یکی از دوستانش شهناز محمدی، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن، به شهادت رسید و از برادرش حسین حاجی شاه که دوّم آبان 59 به این فوز نائل شد، سبقت گرفت.»6

زهره حسینی، دختری پانزده ساله بود، که در هفته اول جنگ پدر شهیدش را با دست خود دفن کرد و یازدهم مهر 59 نیز بدن قطعه قطعه شده برادرش علی را که در مدرسه به شهادت رسیده بود، دفن کرد.

مادر شهیدان شهناز، حسین و محسن حاجی شاه، برای آنکه پیکر دخترش به دست مزدوران دشمن نیفتد، خود برای او قبر کند و او را دفن نمود.

خانم بدیعی نوعروس پانزده ساله بود. تنها چهل روز از ازدواجش می گذشت، وقتی جنازه شوهرش را آوردند، خودش او را کفن کرد؛ با دستان خودش، با دست هایی که هر کسی آن را ندارد 7... .

ج ـ عکاسی و خبرنگاری جنگ

خانم خدامرادی یکی از خبرنگارانی است که در طول جنگ عکس هایی به یادماندنی تهیه کرده است. وی در این مورد می گوید: «اوایل انقلاب ویزیتور روزنامه اطلاعات بودم. بعد از مدتی خبرنگار شدم. اواخر شهریور 59، وقتی عراق به زادگاهم کرمانشاه حمله هوایی کرد، جهت تهیه عکس و گزارش به سمت کرمانشاه رفتم... بمباران مدرسه پسرانه ای را به خاک و خون کشیده بود....»8

د ـ اسارت در جنگ

فاطمه ناهیدی آن روزها دختری بیست و چهار ساله بود که پس از فارغ التحصیلی در رشته مامایی، با سفر به مناطق محروم، می کوشید تا در این عرصه آن چه می تواند، انجام دهد. در یکی از همین سفرها، در شهر بم، خبر جنگ را شنید و عازم جبهه شد. خیلی زود نام او در سیاهه اولین کسان و اولین زنانی که به اسارت عراق درآمدند، ثبت شد.9 او و هم بندانش، معصومه آبادی 17 ساله، مریم بهرامی و حلیمه آزموده، 40 ماه در اسارت به سر بردند. در دوران اسارت 17 روز تمام اعتصاب غذا کردند تا آنان را از زندان سیاسی الرشید به اردوگاه های مخصوص اسرا ببرند. برادران اسیر هم باورشان نمی شد که آنان بتوانند تحمل کنند. سرمشق اسرا بودند؛ با حجابشان، کلامشان و استقامتشان.

3ـ نقش زنان در حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس پس از جنگ

زنان و به خصوص مادران، همسران، خواهران و دختران شهدا، جانبازان و اسرا، نقش به سزایی در ترویج ارزش ها و فرهنگ روزهای آتش و خون دارند. انتشار نامه های خانواده رزمندگان در آن روزها، سخنرانی ها، مراسم یادبود و... همگی در بزرگداشت یاد آن روزها اثرگذار می باشند. کتاب «نامه های فهیمه» که پس از فوت وی چاپ شد، یکی از هزاران نمونه ای است که موجب تشجیع و آسودگی خیال مردان از ناحیه زنان می شد. در قسمتی از این نامه ها می خوانیم:

«... سلام مرا از این راه دور بپذیر؛ سلامی که از سینه ای برمی خیزد که دوری تو آن را سخت تنگ کرده. سلامی که از قلب مصیبت دیده ام بیرون می آید و بر قلب مصیبت دیده ات می نشیند؛ ولی بدان که امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «اگر مؤمن پاداشی را که برای مصیبت ها دارد، بداند، آرزو می کند که او را با مقارض ها تکه تکه کنند...».

«غلامرضا! خیلی دلمان برایت تنگ شده، ولی چه کنیم که اسلام را بیشتر و بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که ما حسین (علیه السلام) را بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که عشق حسین (علیه السلام) قبل از عشق تو در وجودمان نقش بسته است؛ چرا که اول چیزی که در ابتدای زندگی مان چشیدیم، تربت پاک حسین (علیه السلام) بود... .»

گذشته از این، زنان در عرصه هنر و ادبیات نیز نقش آفرین بوده اند. اشعار مرحومه سپیده کاشانی در سرودن حماسه رزم آوران از این گونه است:

ای شهر خرمشهر ای خاک گُهر خیز ای سینه پر آذرت از غصه لبریز

سوی تو مرغان مهاجر باز آیند بر آشیان سبز در پرواز آیند

با من بخوان شعر ظفر ای بندر سبز شب سر شد و آمد سحر ای بندر سبز

دیگران نیز همچون طاهره صفار زاده، سیمین دخت وحیدی، مهری حسینی و... در سرودن حماسه ها نقش به سزا داشته اند. مثنوی «کربلا در کربلا» از خانم مهری حسینی یکی از این نمونه هاست که داستان زندگی سرلشگر شهید مهدی زین الدین را به تصویر می کشد:

ای خدای جاودان لم یزل! شرح مردان جا نگیرد در غزل

جای آرام و سکون، توفان بکار تا بگویم از عزیزی بی قرار

تا ببویم اندکی با مثنوی عطر عشق پاکِ مردی معنوی

داده بودی همسرت را این خبر بر نخواهی گشت هرگز از سفر

تا نپوشی جامه ای از جنس نور برنداری دست از شوق حضور

در زمینه ادبیات داستانی نیز بانوانی چون خانم راضیه تجّار، سمیرا اصلان پور، زهرا زواریان، مریم صباغ زاده، ایرانی، طاهره ایبد، مهری ماهوتی، بلقیس سلیمانی، حبیبه جعفریان و حتی زنان جوانی که در هشت سال دفاع مقدس یا به دنیا نیامده بودند و یا کودکی بیش نبوده اند، اکنون سراینده و نویسنده آن روزهایند، که خون، اثری در فرهنگ مردم می گذارد که هیچ چیزی نمی تواند جای آن را بگیرد. مؤسسه روایت فتح، یکی از مؤسساتی است که با قلم نوقلمانی چون فرزانه مردی (کتاب شهید حسن باقری)، مریم برادران (کتاب شهید همت)، فاطمه غفاری، نفیسه ثبات و دیگر نویسندگان و شاعران جوان، دری را گشوده است که هرگز بسته نخواهد شد. و این فرهنگ آرمان شهری است که تا کَسی با عشق وارد آن نشود، درکی از آن نخواهد داشت.

راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست

پی نوشت ها

1ـ خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص 396.

2ـ همان.

3ـ همان.

4ـ منبع شماره 8.

5ـ منبع شماره 6.

6ـ همان.

7ـ همان.

8ـ منبع شماره 6.

9ـ فاطمه ناهیدی، مریم برادران، دوره درهای بسته، ص 14.

منابع و مآخذ

1ـ خاک، خون، حماسه، مجموعه شعر دفاع مقدس، به کوشش شیرینعلی گلمرادی.

2ـ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، دکتر محمد رضا سنگری، ج 3.

3ـ نقش پشتیبانی رزمی زنان در دفاع، کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت.

4ـ نقش زنان مسلمان در صدر اسلام.

5ـ نقش دفاعی زنان در جهان.

6ـ زنان جنگ، به کوشش سید امیر معصومی، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران جمهوری اسلامی ایران.

7ـ عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (وحدت مردمی و حضور روحانیت)، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

8ـ مثنوی کربلا در کربلا، مهری حسینی، نشر پردیسان، 1381.

9ـ نقش رزمی زنان در دفاع، کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت.

10ـ دوره درهای بسته، فاطمه ناهیدی، مریم برادران، مؤسسه روایت فتح.

11ـ خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

12ـ عشق و آتش، (ویژه نامه بانوان فداکار مازندران)، اسفند 80.

13ـ نامه های فهیمه، به کوشش علیرضا کمری، چاپ دفتر ادبیات و هنر مقاومت.

14ـ زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء.